

## ترامپ جدید را آنالیز کنیم



محسن پاک‌آیین

کارشناس مسائل بین‌الملل

زمانی که پس از انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، موضوع مذاکره با این کشور از سوی برخی از صاحب‌نظران و رسانه‌های داخلی و خارجی مطرح شده، حائز اهمیت است. در این فضای خوشبینانه نظراتی مبنی بر اینکه ترامپ که دیگر ترامپ سابق نیست، باب مذاکره را با ایران باز خواهد کرد، مطرح و این انتظار ایجاد شده بود که رئیس‌جمهور آمریکا در مراسم تحلیف، سیگنال‌های مثبتی را برای مذاکره با ایران خواهد فرستاد. این تفکر به مسئولین ایرانی هشدار می‌داد که باید قدر این علامت‌ها را بدانند و برای حل مشکلات اقتصادی و لغو تحریم‌ها، چنین فرصتی را از دست ندهند. پیش از این هم، برخی پیشنهاد می‌دادند که ایران پیشقدم شده و رئیس‌جمهور در پیامی، پیروزی ترامپ را تبریک بگوید. افرادی هم مطالبه مردم ایران برای لغو تحریم‌ها را تقلیل داده و می‌گفتند همین که ترامپ گفته دیگر قصد سرنگونی نظام اسلامی را ندارد، یک سیگنال مثبت است! مواجهم.» با توجه به این گفته، بیابیم و ترامپ جدید را در سطوح مختلف ایران و جهان آنالیز کنیم. ترامپ در مراسم تحلیف در مورد ایران گفت: «ما با گذشته‌تیم تا ایران را یاسخگو کنیم و بهره‌برداری آن از پول نفت برای تأمین مالی سازمان‌های تروریستی را متوقف کنیم.» او گفت: «خوب خواهد بود اگر مسائل با ایران را بدون حمله اسرائیل بتوانیم حل کنیم، امیدوارم ایران توافق کند. امیدوارم این مساله بدون نیاز به اقداماتی از این دست حل شود. این واقعا خوب خواهد بود. ایران ثروتمند است اما اسرائیل آن‌ها را تضعیف کرده است.» متعاقبا ترامپ در مصاحبه با فاکس نیوز هم گفت: «تنها چیزی که در مورد ایران می‌گویم این است که آنها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند. اگر توافقی کنیم راه‌هایی هست که مطمئن شویم، باید ۱۰ برابر بازرسی کنیم اگر آنها به سلاح هسته‌ای برسند، بعد همه (سلاح هسته‌ای) می‌خواهند و بعد افشاح بالا می‌آید.» صحبت‌های ترامپ، نکات تازه‌ای نداشت، هیچ چیز نشان نمی‌داد که دولت جدید آمریکا دنبال کاهش خصومت نسبت به ایران است، از لغو تحریم‌ها هیچ صحبتی نشد و زبان همان زبان تهدید بود. روشن شد که آمریکا در رابطه با برنامه‌های هسته‌ای ایران خود را به ندانی می‌زند. گویا از مواضع ایران مطلع نیست. جمهوری اسلامی ایران صریحا در همه مقاطع به طور مکرر و در سطوح مختلف اعلام کرده که برنامه‌ای برای تولید سلاح هسته‌ای ندارد و به لحاظ شرعی هم رهبر انقلاب، استفاده از سلاح هسته‌ای را حرام اعلام کرده‌اند. ایران علاوه بر ارتباط مستقیم با آژانس، پیمان منع اشاعه (NPT) را پذیرفته و تمام ضمانت‌های لازم را داده است. داد که قصد دارد برای احیای هژمون آمریکا، جهانیان را به مبارزه خواند و مشکلات اقتصادی آمریکا را از جیب کشورهای دیگر حل کند. از سخنان ترامپ مبنی بر افزایش فشار بر مکزیک، کانادا، کلمبیا، گرینلند و پاناما معلوم بود که «همسایه ستیزی» یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی آمریکا خواهد بود. ترامپ در تقابل با متحدین اروپایی زمین تهدید به اعمال تعرفه‌های تازه علیه این قاره، اعلام کرد «اتحادیه اروپا با ما بسیار بد رفتار می‌کند و بنابراین آنها با تعرفه‌ها مواجه خواهند شد، این تهاراهی است که می‌توانیم به عدالت برسیم.» رئیس‌جمهور آمریکا گفت تعرفه‌هایی که در زمان ریاست جمهوری اول خود بر چین وضع کرده، هنوز برقرار است و دولت او در حال بررسی وضع تعرفه ۱۰ درصدی بر واردات چین است. ترامپ روسیه را با «تحریم‌های بزرگ» تهدید کرد و گفت اگر جنگ اوکراین حل و فصل نشود یا «تعرفه‌های عظیم و تحریم‌های بزرگ» روسیه را هدف می‌گیرد. ترامپ در ستیز با موازین و مقررات بین‌المللی هم گفت که «ایران اقلیمی پاریس که به پیمان او، کلاهبرداری است خارج خواهد شد و متعاقبا با امضای یک فرمان اجرایی، از سازمان جهانی بهداشت خارج شد. ترامپ همچنین بی‌اعتنا به مصوبات سازمان ملل متحد و آرای جامعه جهانی، خواهان کوچ اجباری مردم غزه به مصر و اردن شد. رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرد به دنبال ساختن «آمریکای قوی» یا به نوعی احیای هژمون آمریکا است و رویکرد او نشان داد که اهداف دولت کنونی او با دور قیل تفاوتی ندارد اگرچه قرار است از ابزار جدیدی استفاده نکند. نتیجه آنالیز اولیه این است که ترامپ می‌خواهد یک دیکتاتور جهانی باشد و همان سیاست یکجانبه‌گرایی‌انه را با ابزارهای ستیزه‌جویانه برای احیای هژمون آمریکا پیش ببرد. حاصل این رویکرد، عدم اعتماد به آمریکا در سطح جهان و رشد چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل است. کشورهای مختلف جهان برای دفاع از منافع خود، چاره‌ای ندارند جز اینکه در مقابل دیکتاتوری ترامپ بایستند. حال ما چه باید بکنیم؟ می‌توانیم کماکان در انتظار سیگنال‌های مثبت ترامپ بمانیم و نشسته «در انتظار گودو»، شخصیت موهوم نمایشنامه «ساموئل بکت» بگوییم که «گودو امشب نمی‌آید ولی حتما فردا خواهد آمد.» در طرف دیگر می‌توانیم اراده خود را به اراده جامعه جهانی پیوند زده و در کنار آنها به دنبال ساخت یک نظم جهانی جدید و خالی از هژمون باشیم. می‌شود نقش پررنگ‌تری در جمع کشورهای که راهبرد چندجانبه‌گرایی بین‌المللی را در پیش گرفته‌اند، ایفا کرد. مهم این است که با شناخت صحنه، یک اجماع ملی بر مبنای نگاه واقف‌گرایانه و بر اساس منافع ملی در کشور برای چگونگی مواجهه با آمریکای جدید ایجاد شود. محور مشترک این اجماع، حل مشکلات اقتصادی و معیشتی و لغو تحریم‌های ظالمانه است، به چیزی جز این راضی نشویم.» حواسمان باشد که با چه کسی مواجهم، با چه کسی معامله می‌کنیم، با چه کسی داریم حرف می‌زنیم، این را بدانیم. انسان وقتی که طرف خودش را شناخت، ممکن است معامله هم بکند اما می‌فهمد که چه کار باید بکند. باید بشناسیم، بدانیم.»

غلامعلی دهقان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## نقش گسست نسلی

## در اهداف انقلاب مشهود است



انقلاب در ایران با چالش ضعف انگیزه ملی مواجه شد

نباید اجازه بدهیم شکاف دولت و ملت افزایش پیدا کند

فضای سیاسی کشور بیش از همیشه به تساهل و تسامح نیاز دارد

آرمان ملی- احسان انصاری: امروز که در بهمن ماه قرار داریم ۴۶ سال از انقلاب سال ۵۷ در ایران می‌گذرد و در طول این سال‌ها مردم ایران با فراز و نشیب‌های زیادی در زندگی خود مواجه شده‌اند. به همین دلیل نیز بازنگری و بازخوانی آنچه در این ۴۶ سال و شاید قبل از آن در جامعه ایران گذشت بتواند تا حدود زیادی واقعیت‌های تاریخی و چالش‌ها را مشخص کند. به همین دلیل و برای تحلیل و بررسی این موضوع «آرمان ملی» با غلامعلی دهقان فعال سیاسی و تاریخ‌پژوه گفت‌وگو کرده است. دهقان در این زمینه معتقد است: «وقوع انقلاب ۵۷ سبب شد تا حدود زیادی شکاف دولت و ملت ترمیم گردد.

امروز که ۴۶ سال از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ می‌گذرد ضرورت بازنگری در برخی اهداف وجود دارد.

انقلاب در جامعه ایران چه پیامدهایی با خود داشت؟ من معتقدم در حالی که ۴۶ سال از انقلاب می‌گذرد، اما حکایت این انقلاب و پیروزی آن در بهمن ۱۳۵۷ همچنان برای اهل نظر و صاحب‌نظر قابل توجه است. انقلابی که پیروزی آن برای خودی و غیرخودی غافلگیرکننده بود، در آن حد که رئیس‌جمهور وقت آمریکا جیمی کارتر سال قبل از پیروزی انقلاب از ایران به عنوان جزیره ثبات و آرامش یاد کرد. به نظر می‌رسد طی سال‌های بین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تحولاتی در حال رخ دادن بود که در چشم غربی‌ها نمی‌نشست و از این درک درستی از پیروزی انقلاب نداشتند. یکی از این تحولات رشد و گسترش اسلام سیاسی با خوانش شیعی در ایران بود. طی این ۲۵ سال تا پیروزی انقلاب در سال ۵۷ و به خصوص پس از تجربه شکست ناسیونالیسم ایرانی در قضیه ملی شدن نفت و نبود زیرساخت‌های لازم فرهنگی برای رشد و نمو جریان چپ مارکسیستی در ایران تنها جریان ریشه‌دار و مردمی، جریان فکری و سیاسی تشیع سیاسی بود که می‌توانست آلترناتیوی برای رژیم پهلوی باشد. این جریان، هم در درون حوزه‌ها حامیانی داشت و هم در میان دانشگاهیان، آیت‌ا... خمینی پس از حوادث سال ۱۳۴۲ و پس از تبعید به عراق عملا با طرح تئوری ولایت فقیه پرچمدار جریان تشیع سیاسی شد. همچنین سخنرانی‌های حماسی علی شریعتی در دفاع و حقانیت تشیع و به خصوص امامان شیعه، نوعی سمپاتی و حمایت گسترده نسبت به تشیع و البته به تعبیر شریعتی تشیع علوی در میان اقشار دانشگاهی و روشنفکر ایجاد کرد که همه این تحركات فکری و سیاسی خود را در حوادث سال ۱۳۵۷ نشان داد. حرکتی ایجابی که در کنار ناراضیاتی مردم به دست آمده از سفارت آمریکا کاملا مشخص است که آنها تا مدت‌ها تنها مخالفان شاه را ملی‌گرایان و چپ‌های کمونیستی قلمداد می‌کردند و اعتباری برای حرکت سیاسی منبعث از شیعیان نداشتند.

همین عامل باعث شد گفتمان سیاسی شیعه به پارادایم غالب تبدیل شود؟

بله، وقتی مساجد و گاه برخی حسینیه‌ها محل تجمع انقلابیون و تئویر افکار عمومی شد برای غربی‌ها جای تعجب فراوان داشت. برای مثال در تهران حسینیه ارشاد و مسجد هدایت والوجود و جلیلی و در تمامی ایران همچنین این مساجد بودند که هماهنگی موضوعات مربوط به انقلاب در آنها انجام می‌گرفت. به این ترتیب در کنار حرکت سلبی ضد سلطنت به تدریج یک حرکت فکری و سیاسی ایجابی هم بود که پس از عدم مقبولیت رژیم پهلوی نزد سه قشر مهم بازاریان، روحانیت و نظامیان و همچنین نزد طبقه متوسط شهری و فرودستان، توانست چشم‌اندازی کلی برای آینده ترسیم کند. با نگاه به حوادث آن سال‌ها، می‌توان گفت اگر در آن حرکت اعتراضی در کنار حرکت سلبی، گفتمان فکری و حرکت ایجابی ولو کلی، شکل نمی‌گرفت، حرکت‌های اعتراضی در همان سطح شورش و عصیان باقی می‌ماند.

عوامل خارجی به چه میزان در این اتفاق نقش داشت و چرا پس از انقلاب یکی از مهم‌ترین چالش‌های انقلاب همین عوامل خارجی بود؟

اگر در آن حرکت اعتراضی در کنار حرکت سلبی، گفتمان فکری و حرکت ایجابی ولو کلی، شکل نمی‌گرفت، حرکت‌های اعتراضی در همان سطح شورش و عصیان باقی می‌ماند



اما به تدریج و به خصوص پس از پایان جنگ شکاف دولت و ملت دوباره از سرگرفته شد که عملکرد ناصواب برخی مسئولان در این امر مشهود است. برای مثال دور شدن از ساده‌زیستی که در اول انقلاب باعث نزدیکی نوده‌های مردم با مسئولان بود سبب شد شکاف دولت و ملت تشدید شود. علاوه بر این طی دو دهه اخیر با پدیده آفازادگی روبه‌رو بودیم که یکی از عوامل ناراضیاتی‌های اجتماعی است. همچنین، مقولات رانت‌خواری و ریاکاری هم در این افزایش شکاف تأثیر داشت. نهاد دولت و نهاد رسانه در این مورد کم‌کاری داشتند.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

## ایران ژاندارم منطقه شد ولی در ذهن و فکر توده‌های مردم وابسته به آمریکا قلمداد می‌شد و شاه ایران عامل و کارگزار بیگانه، عامل بسیار مهمی که در سرنگونی وی نقش مهمی ایفا کرد

به نظرم نمی‌توان پاسخ روشنی به این پاسخ داد. واقعیت این است وضعیت امروز جامعه نشان می‌دهد نه تنها یک جای کار بلکه چند جای کار دچار مشکل است. در اتفاقات اخیر، نگاه آماری به سن بازداشت‌شدگان نشان می‌دهد از هر ۱۰ نفر چهار نفر زیر ۲۰ سال یا به عبارتی دهه هشتادی هستند و پنج نفر بین ۲۰ تا ۳۵ سال سن دارند و فقط یک نفر بالای ۳۵ سال حضور دارد. کاملا مشخص است گسست نسلی کار خود را کرده است، اما پرسش این است کدام مشکلات تاریخی بازتولید و کدامین نهاد‌ها کارکرد اصلی خود را به خوبی انجام نداده‌اند تا جامعه به این نقطه برسد که با مشکلات مهمی مواجه است. نگاهی به وضعیت موجود نشان می‌دهد ما ایرانیان اعم از مذهبی و غیرمذهبی و روشنفکر و عوامی و اقوام مختلف در چند مورد مشابهت زیادی با هم داریم. اول اینکه در کار جمعی ضعیف هستیم و بیشتر از آنکه به منافع ملی توجه کنیم به منافع فردی و گروهی توجه داریم. واقعیت این است برای پارچایی یک ملت باید همدیگر را تحمل و به دیدگاه‌های مختلف احترام گذاشت. اما ما معمولا بیشتر حق به جانب بوده و خود را قبول داریم و حال آنکه برای استمرار آن‌مای بزرگ باید برخی مواقع انعطاف داشت. به قول حافظ با دوستان مروت و با دشمنان مدارا. امروز بیش از گذشته به روان‌داری فرهنگی و تساهل و تسامح در امور فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی نیاز داریم و این زمانی اتفاق می‌افتد که همه به آن‌ما بزرگ ملت ایران و مفهوم ایران پایبند باشیم. زمانی که ژاپنی‌ها توانستند با کار و تلاش و کوشش جایگاه مهمی در اقتصاد آمریکا داشته باشند، این پرسش برای آمریکایی‌ها پیش آمد که دلیل موفقیت ژاپنی‌ها پس از جنگ جهانی دوم چه بوده است؟ برای این منظور در برخی دانشگاه‌ها قرار شد پایان‌نامه‌ها به این پرسش بپردازند و حاصل کار هم مفید بود. اما خلاصه یک پایان‌نامه این بود که ژاپنی در پساجنگ دوم این چنین اندیشید. اول کشورم، دوم کارگاهم و سوم خانواده خودم. قرائن و شواهد نشان می‌دهد نهاد‌های خانواده و دولت و رسانه در این مفهوم‌سازی برای نسل جدید موفق نبودند. دومین مشکلی که سال‌ها گریبانگیر کشورمان است و ریشه تاریخی دارد موضوع شکاف دولت و ملت است.

مهم‌ترین دلایل افزایش شکاف دولت و ملت چه بود؟

وقوع انقلاب ۵۷ سبب شد تا حدود زیادی شکاف دولت و ملت ترمیم گردد. اما به تدریج و به خصوص پس از پایان جنگ شکاف دولت و ملت دوباره از سرگرفته شد که عملکرد ناصواب برخی مسئولان در این امر مشهود است. برای مثال دور شدن از ساده‌زیستی که در اول انقلاب باعث نزدیکی نوده‌های مردم با مسئولان بود سبب شد شکاف دولت و ملت تشدید شود. علاوه بر این سبب شد شکاف دولت و ملت تشدید شود. علاوه بر این طی دو دهه اخیر با پدیده آفازادگی روبه‌رو بودیم که یکی از عوامل ناراضیاتی‌های اجتماعی است. همچنین، مقولات رانت‌خواری و ریاکاری هم در افزایش شکاف تأثیر داشت. نهاد دولت و نهاد رسانه در این مورد کم‌کاری داشتند. سومین مشکل تاریخی ما که در شرایط کنونی نیز مشهود است ضعف انگیزه‌های ملی است. عده‌ای بی‌توجه به دشمنان زخم‌خورده و تاریخی و در رقابت با جمهوری اسلامی چنان بر طبل تحولات رادیکال می‌کوبیدند که پس از مدتی خودشان باورش‌ان شد. این عده رسانه را تبدیل به ابزار جنگ روانی نمودند و با بزرگ‌نمایی مشکلات و کاستی‌ها فقط بر دامنه دشمنی‌ها و اختلافات افزودند.

طی سال‌های بین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تحولاتی در حال رخ دادن بود که در چشم غربی‌ها نمی‌نشست و از این رودرک درستی از پیروزی انقلاب نداشتند

امروز که ۴۶ سال از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ می‌گذرد آیا می‌توان عنوان کرد به اهداف مورد نظر انقلاب رسیده‌ایم؟

روای شکاف بین تهران و مسکو

## آزمون حساس ترامپ

به ادعای ناظران، ژوئیه ۲۰۱۵، (شهید) قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، به مسکو سفر کرد تا درباره طرح اضطراری درباره سوریه که کنترل ۸۰ درصد از خاک آن در اختیار شورشیان قرار داشت، با مقام‌های کرملین رایزنی داشته باشد. روسیه در آن بازه زمانی در انعقاد توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵، معروف به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) کمک کرده بود. فارن افرز مدعی شد، سفر (شهید) سلیمانی که سه ماه بعد رسانه‌ای شد، آغازگر تحول یک‌دهه‌ای روابط روسیه و ایران، از همکاری تاکتیکی در سوریه تا مشارکت در سال جاری قلمداد می‌شود، رخدادی که در ژانویه ۲۰۲۵ با امضای توافقنامه مشارکت استراتژیک بین دو کشور به اوج خود رسید.

## هراس غرب

در شرایط کنونی محور مقاومت توان بازدارندگی‌اش تحت تأثیر حملات اسرائیل قرار گرفته و «استراتژی دفاعی پیشرو» این گروه‌ها به چالش کشیده شده است. تهران نیز درصدد است تا دکتربین هسته‌ای خود را با تعریف کند. در حال حاضر فرض بر این است که ایران یک کشور در آستانه گریز هسته‌ای است که فناوری غنی‌سازی اورانیوم، تخصص فنی، سیستم‌های تحویل و تأسیسات مجزا است، اما هنوز برای ساخت سلاح تصمیم اتخاذ نکرده است. به ادعای ناظران، تغییر دکترین هسته‌ای مستلزم فرآیندی چالش‌برانگیز است که کشف آن توسط بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا آژانس‌های اطلاعاتی غربی خطرهای (ادعایی) از سوی اسرائیل یا ایالات متحده را به همراه دارد. مقامات ایرانی به تغییرات بالقوه در موضع هسته‌ای ایران اشاره کرده‌اند، که به طور رسمی از توسعه برنامه هسته‌ای اجتناب می‌کند. با این همه، هستند گروهی که آشکارا خواستار تغییر دکترین هسته‌ای ایران هستند. در آوریل ۲۰۲۴، سرستپ احمد حق طلب، فرمانده سپاه حفاظت و امنیت مرکز هسته‌ای ایران، اعلام کرد که اگر اسرائیل به یکی از تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کند، تهران می‌تواند دکترین هسته‌ای خود را بازبینی کند. کمال خرازی، یکی از مقامات سابق، هشدار داد که اگر اسرائیل جرأت کند به تأسیسات هسته‌ای ایران آسیب برساند، سطح بازدارندگی ما متفاوت خواهد بود. ما تصمیمی برای تولید بمب هسته‌ای نداریم، اما اگر موجودیت ایران تهدید شود، باید دکترین هسته‌ای خود را تغییر دهیم. ایران را بیچیده‌تر جلوه می‌دهد. موقعیت مسکو دستخوش تحولی شگرف شده است. روسیه که زمانی حامی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه برنامه هسته‌ای ایران و معمار کلیدی توافق هسته‌ای ایران بود، ایران را متحد و شریکی حیاتی می‌داند که با آن می‌توان در همسایگی خود و فراتر از آن قدرت‌نمایی کرد. همکاری نظامی (ادعایی) ایران با روسیه امروز حیاتی شده است. روسیه مسکو دستخوش تحولی شگرف شده است. روسیه که زمانی حامی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه برنامه هسته‌ای ایران و معمار کلیدی توافق هسته‌ای ایران بود، ایران را متحد و شریکی حیاتی می‌داند که با آن می‌توان در همسایگی خود و فراتر از آن قدرت‌نمایی کرد. همکاری نظامی (ادعایی) ایران با روسیه امروز حیاتی شده است. روسیه مسکو دستخوش تحولی شگرف شده است.

## روسیه ورژیم صهیونیستی

به ادعای ناظران، برنامه‌های ایران و روسیه فراتر از گزاره‌هایی است که غرب بدان‌ها اشاره دارد. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، چند روز قبل از مراسم تحلیف دونالد ترامپ، به مسکوفسفر کرد و یک معاهده همکاری راهبردی با روسیه انبهایی کرد که همکاری‌های دوجانبه را عمیق‌تر می‌کند. انتخاب این بازه زمانی تصادفی نیست، ایران به دنبال رویارویی با وعده‌های دولت جدید ایالات متحده مبنی بر فشار حداکثری از طریق تحکیم روابط با روسیه است. اسرائیل و ایالات متحده با محاسبات پیچیده‌ای در مورد چگونگی رویارویی با این‌آنکه منجر به برنامه هسته‌ای پیشرفته است. دیگر هستند، برای مقامات اسرائیلی، در حال حاضر ایران نیازمندی‌های (ادعایی) برای رویایی با ایران بااست. اما این فرض که روسیه بتواند سیستم‌های پیشرفته‌تری پدافند هوایی و جت‌های جنگنده پیشرفته مورد نیاز ایران را تأمین کند می‌تواند همین روزنه را ببندد. سیاست‌گذاران ایالات متحده باید با بازتعریف فشار بر مسکو و تهران بدون تعمیق بیشتر شراکت موجود، می‌توانند دوبار زیگر تحت فشار قرار دهند. آخرین توافقنامه مشارکت استراتژیک محدودیت‌های همکاری فنی، را در باب نیازهای نظامی روسیه در اوکراین، صادرات نظامی را که روسیه می‌تواند به ایران ارسال کند، نشان می‌دهد. این بدان معناست که ایالات متحده هنوز فضایی برای مانور برای محدود کردن کمک‌های هسته‌ای روسیه به ایران دارد. اما سیاست‌های دولت اول ترامپ، از جمله فشار حداکثری و تحریم‌هایی که بخش دفاعی روسیه را هدف قرار داد، به طرز متناقضی با ایجاد ناراضیاتی‌های مشترک و ایجاد یک دشمن مشترک، همکاری آن‌ها را تسریع کرد. این بار، دولت با پویایی چالش‌برانگیزتری مواجه است.